

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی - تخصصی

پژوهش در آموزش تاریخ

سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

نقش میسیونرهای مذهبی در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران و اروپا در عصر صفوی

فروزان ادیب‌فر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

چکیده

عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ ق. / ۱۷۲۲-۱۵۰۱ م.) عصر گسترش چشمگیر فعالیت میسیونرهای مذهبی اروپا در ایران بود. در این دوره قدرت‌های اروپایی برای نفوذ در سرزمین‌های شرقی و دست یافتن به مواد اولیه ارزان قیمت با همدیگر رقابت می‌کردند، در همین حال قلمرو و تجارت خارجی آنها نیز توسط عثمانی به شدت در خطر بود، لذا ایران به عنوان همسایه و دشمن عثمانی و در عین حال به عنوان طرف تجاری اروپا گزینه مناسبی برای اتحاد بود. سؤال پژوهش حاضر این است که آیا میسیونرها و مبلغین مذهبی در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران و اروپا در عصر صفوی نقش داشتند؟ سعی بر آن است با روش تحقیق توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات از گزارش‌ها، منابع تاریخی و پژوهشی، سفرنامه‌ها و اسناد به این سؤال پاسخ داده شود. به نظر می‌رسد علاوه بر انگیزه‌های مذهبی دلایل ویژه سیاسی و اقتصادی در ارسال هیأت‌های مذهبی به ایران نقش داشت. یافته پژوهش حاضر مبین این واقعیت است که میسیونرهای مذهبی در اشاعه دین مسیحیت در ایران توفیق چندانی نداشتند اما توانستند در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران و اروپا نقش موثری بازی کنند.

واژگان کلیدی: میسیونر، دولت‌های اروپایی، صفوی، روابط سیاسی و تجاری

مقدمه

دوره صفوی را می‌توان آغاز گسترش فعالیت میسیونرهای مذهبی در ایران دانست فعالیتی که تا دوره معاصر ادامه داشت. اروپائی‌ها اهداف مهمی در فرستادن میسیونرها و هیأت‌های مذهبی به ایران داشتند. اهدافی بالاتر از مسائل مذهبی و اشاعه دین و مذهب، توسعه نفوذ سیاسی و نفوذ هر چه فزاینده‌تر در ممالک شرقی برای آنها دستاوردهای مهمی داشت. کارگاه‌های رو به رشد اروپائی‌ها نیز طالب مواد اولیه و مرغوب ممالک شرقی بودند و عثمانی‌ها با حمله به سرزمین‌های اروپائی‌ها و خطراتی که برای تجارت آنها ایجاد می‌کردند باعث توجه بیشتر اروپائی‌ها به ایران شدند.

لذا ارتباط مؤثر با مشرق زمین و خصوصاً کشور ایران برای آنها سرنوشت ساز بود. گسیل داشتن مردان دینی و هیأت‌های مذهبی سرپوش مناسبی برای نیل به اهداف مادی آنها بود و پیشرفت و پذیرش میسیونرهای مذهبی از سایر سفرها راحت‌تر به نظر می‌آمد، در این گذر از ترویج مسیحیت نیز غافل نبوده و با اخذ مجوز از ایران برای احداث کلیسا و فعالیت‌های مذهبی به آن جامه عمل می‌پوشاندند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش هیأت‌ها و میسیونرهای مذهبی در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران دوره صفوی است.

روش پژوهش

همچون سایر تحقیقات تاریخی در این مقاله از روش تحقیق توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

احمد عقیلی، در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل تاریخی فعالیت‌های میسنوری در عصر جانشینان شاه عباس اول (۱۱۳۵-۱۰۳۸ ق/ ۱۷۲۲-۱۶۲۹ م)." به بررسی نحوه فعالیت میسیونرهای مسیحی و ارزیابی اقدامات آنان در عصر جانشینان شاه عباس اول پرداخته و معتقد است با کمتر شدن تنش میان ایران و عثمانی اقدامات کشیشان مسیحی نیز با شکست مواجه شد. او معتقد است که نقشه‌های بلند پروازانه مبلغان، مسیحی برای تبلیغ و جذب مسلمانان نه تنها موفقیتی نداشت بلکه با شکست هم مواجه گردید. علی اصغر رجبی و هادی بیاتی در مقاله‌ی خود با نام "واکاوی فعالیت‌های مبلغین کاتولیک در ایران عصر صفوی"، به کارکرد چندگانه این مبلغین در ایران پرداخته‌اند و معتقد هستند با حمایت پاپ و پادشاهان اروپایی کشیشان مسیحی در دربار صفوی با جهت دادن به روابط خارجی ایران نقش مهمی ایفا نموده‌اند، آن‌ها نیز به فعالیت‌های سیاسی و تجاری این هیأت‌ها اذعان دارند. شهاب شهیدانی و سیداحمد عقیلی مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی و تحلیل تاریخی حضور و فعالیت میسیونرهای مسیحی از سقوط صفویه تا بر آمدن قاجار" دارند که گر چه مربوط

به دوره پس از صفویه است، لکن برای مطالعه بیشتر در خصوص انگیزه‌ها و عملکرد حضور و فعالیت کشیشان مسیحی در ایران عصر صفوی هم خالی از نفع نیست. در مقاله دیگری از شهاب شهیدانی و فاطمه بزین بیرانوند با عنوان "فعالیت‌های مبلغان مسیحی در خلیج فارس و هرمز در سده دهم هجری (۱۵ م.)" عصر صفوی را مهمترین و موفق‌ترین دوره فعالیت مسیونرهای مسیحی در ایران طی این دوره دانسته‌اند. آن‌ها معتقدند با اینکه منطقه خلیج فارس تحت سیادت پرتغالی‌ها و به تبع آن کشیشان آگوستینی بود اما کم کم این مسیونرهای اروپایی بودند که آن منطقه را نیز جولانگاه خود ساختند.

ابوالحسن مبین در مقاله خود با عنوان "دیپلماسی ایران و لهستان در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی" به بررسی زمینه‌های برقراری روابط سیاسی و بازرگانی ایران و لهستان در عصر صفوی و به ویژه در نیمه دوم سده یازدهم هجری / هفدهم میلادی و در عصر سلطنت شاه سلیمان صفوی که اوج مبادلات دیپلماتیک و تجاری بین دو کشور است بررسی موانعی که در راه توسعه بیشتر این روابط وجود داشت پرداخته است. او در این مقاله بیان داشته کشور ایران در این زمان به خاطر معاهده صلح زهاب خواهان حفظ آرامش با عثمانی‌ها بوده لکن لهستانی‌ها به دنبال گسترش مناسبات تجاری و همسایگی با عثمانی و گسترش مسیحیت در ایران و طالب ادامه و گسترش مناسبات سیاسی خود با صفوی‌ها بوده‌اند.

شکوه السادات اعرابی هاشمی در مقاله‌ای با نام "چالش‌های درون فرقه‌ای مسیحیان در جلفای عصر صفوی" به عدم استقبال ارامنه جلفای اصفهان از مسیونرهای کاتولیک اروپایی اشاره داشته و معتقد است اگر چه کاتولیک‌ها با کسب اجازه از پادشاهان صفوی موفق به احداث کلیسا و اسکان در جلفای می‌شدند لکن روابط ارامنه جلفا با آنها سخت تحت تأثیر روابط ایران و اروپا بود به عبارتی اگر به دلیل عدم همراهی با همراهی اروپائی‌ها با ایران در مواجهه با عثمانی سردی یا رونقی در روابط ایران و اروپا به وجود می‌آمد این حالات بر مناسبات ارامنه جلفا و مسیونرهای اروپایی تأثیر مستقیم داشت.

"بررسی اهداف و اقدامات مسیونرهای مذهبی مسیحی از شاه عباس تا سقوط صفویه" عنوان پایان نامه مرضیه محمودی کوتک است که در آن محقق گرچه به داشتن اهداف سیاسی مبلغان مذهبی اذعان دارد اما بیشتر به اهداف مذهبی آنها و تبلیغ مسیحیت توسط این مبلغین پرداخته است. او معتقد است مبلغین برای رسیدن به هدف، فعالیت‌های مهمی در زمینه پژوهشی، علمی، مترجمی و گاه پزشکی انجام می‌دادند ولی در نهایت هدفی که به دنبالش بودند محقق نشد.

تحقیقات نامبرده شده در انجام این پژوهش راه‌گشا بود، ضمن اینکه مطالعه آن‌ها می‌تواند افق‌های جدیدی را در مطالعات مربوط به عصر صفوی نشان دهد.

روابط خصمانه ایران و عثمانی، بستری مناسب برای نفوذ اروپا

چندین سده قبل از آنکه فشار سرمایه داری غرب به سرزمین‌های اسلامی آغاز شود ایران با بسیاری از کشورهای اروپایی پیوندی دوستانه داشت و یکی از عمده‌ترین دلایل این پیوند، دشمنی دولت‌های اروپایی با امپراتوری عثمانی و دیگری ستیزه جویی و دشمنی و رقابت دیرینه اقتصادی، سیاسی و مذهبی عثمانی‌ها با فرمانروایان ایران بود (حائری، ۱۳۶۷: ص ۱۴۰).

تأسیس دولت صفویه در اوایل قرن دهم هجری قمری، مقارن با رنسانس و وارد شدن اروپائی‌ها به عصر جدید بود، ضرورت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی عاملی بود تا روابط گسترده‌ای میان ایران و کشورهای اروپایی آن زمان آغاز گردد. کشورهای اروپایی برای مقابله با سیاست‌های توسعه‌طلبانه امپراتوری عثمانی و دستیابی به بازارهای شرق، توجه ویژه‌ای به کشور ایران نمودند، دولت صفوی نیز برای مقابله با تهاجم‌های دولت عثمانی و دست یابی به راه‌های جدید تجاری از اتحاد با کشورهای اروپایی استقبال می‌کردند (همان)، عثمانی‌ها سرزمین‌های اسلامی را به نوعی با تعصب مذهبی شدید خود دچار انزوای سیاسی و تجاری کرده بودند. جنگ‌های مذهبی و درگیری‌های فرقه‌ای باعث رکود شدید مناسبات سیاسی و تجاری ممالک اسلامی شده بود در حالی که پیش از آن روابط تجاری میان سرزمین‌های اسلامی و اروپا از رونق برخوردار بود، رفتار خشن عثمانی‌ها در ممالک مفتوحه اروپایی به دشمنی اسلام و مسیحیت که در جنگ‌های صلیبی شکل گرفته بود شدت بخشید، از طرفی چون دولت صفوی و عثمانی بر اساس مذهب شکل گرفته بودند و هر کدام بر حقانیت خود تأکید داشتند لذا از همان ابتدا خشم، نفرت و دشمنی بر روابط آنها حاکم شد. همانگونه که تصوف به عنوان یکی از درونمایه‌های نهضت صفوی به حساب می‌آمد تشیع نیز رکن دیگر این نهضت بود (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷: ص ۲۵)، و شاید بتوان آنرا مهم‌ترین پدیده‌ای دانست که با آغاز حکومت صفویان در کشور ایران شکل گرفت (همان، ص ۹) گسترش قلمرو ایران و اشاعه تفکر شیعی در خاک عثمانی جزء ارکان سیاست خارجی صفوی‌ها خصوصاً در عصر شاه اسماعیل یکم بود (علی بابایی، ۱۳۷۵: ص ۹)، شاه اسماعیل یکم با اعزام خلیفه‌ها به ولایت‌های عثمانی و شام و تبلیغ مذهب شیعه و تحریک شیعیان آن ولایت‌ها به دشمنی با عثمانی‌ها پرداخت و پادشاهان عثمانی را نگران توسعه قدرت خود کرد (پارسادوست، ۱۳۷۵: ص ۷۲۳-۷۲۲). دشمنی ایران و عثمانی بهترین بستر برای اروپائی‌ها بود تا با برقراری ارتباط از ایران متحدی برای تضعیف عثمانی بسازند.

اتحاد اروپا با ایران، راهکاری در جهت تضعیف عثمانی

پس از آنکه سلطان محمد جزیره یوبیا را تصاحب کرد (همان، ص ۲۱۲) جمهوری و نیز سفیرانی به دربار امیر آق قویونلو جهت عقد پیمان نظامی فرستاد. اوزون حسن هم که از میزان قدرت حکومت عثمانی با خبر بود از این حرکت استقبال نمود. (همان). اوزون حسن به دنبال تشکیل اتحادیه نظامی بر علیه سلطان عثمانی

بود لذا او هم سفیرانی به دربار پاپ و زمامداران اروپایی اعزام نمود، او به اتحادیه ضد عثمانی مرکب از پاپ روم، جمهوری ونیز، پادشاهی ناپل و مجارستان و قبرس پیوست گر چه این اتحادیه اقدام مؤثری انجام نداد (همان، ص ۲۱۴). بعدها در دولت صفوی نیز مناسبات خصمانه ایران و عثمانی همواره سردمداران صفوی را به دوستی و برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با دول اروپایی راغب می‌ساخت (پناهی سمنانی، ۱۳۶۹: ص ۱۰۶)، مطامع استیلاجویانه امپراتوری عثمانی خطر بزرگی برای اروپائی‌ها و دول مسیحی بود و طبعاً دشمنان این دولت ضرورت اتحاد و دوستی با همدیگر را درک می‌نمودند (همان، ص ۱۰۷).

مکاتبات فراوانی ما بین کشورهایمانند اسپانیا، پرتغال، هلند، روسیه، انگلستان، اتریش، لهستان، فرانسه و پاپ روم با ایران دوره صفوی برقرار گردید و در زمان پادشاهانی مثل شاه عباس اول به نحو چشمگیری ارسال سفرا افزون شد و گاهی بعضی از این سفیران به خدمت دربار پادشاهان صفوی در می‌آمدند (همان، ص ۱۰۷).

گزارشات سفرا خبر از فشار عثمانی‌ها بر اروپائی‌ها می‌دهد (شرلی، ۱۳۵۷: ص ۱۹). تاجران و اروپائی‌های که از خاک عثمانی عبور می‌کردند در بسیاری موارد آزار و اذیت می‌شدند، کالاهایشان را تصاحب می‌کردند و قوانین سخت دولت عثمانی بر علیه عیسویانی که از خاک آنها عبور می‌کردند آنها را به ستوه آورده بود (همان، ص ۲۰) اروپائی‌ها مسیحی غالباً در مقابل سخت‌گیریها و خشونت مأموران و حکام عثمانی توان و حق دفاع از خود را نیز نداشتند، زیرا قوانین عثمانی در خصوص اروپائی‌ها عیسوی به حدی خشن بود که جایی برای دفاع و احقاق حق باقی نمی‌گذاشت (همان، صص ۳۹-۳۸).

محور مناسبات ایران عصر صفوی با دول خارجی دو رکن اساسی داشت، یکی اتحاد به منظور مقابله با توسعه طلبی‌های امپراتوری عثمانی و دوم برقراری روابط تجاری (سمنانی، ۱۳۶۹: صص ۱۰۹-۱۰۸). پادشاهانی همچون طهماسب که توسعه نفوذ ترک‌ها را به زیان ایران می‌دید حاضر بود برای جلوگیری از حضور آنها، در خلیج فارس پرتغالی‌های استعمارگر را تحمل کند و با آنها بر ضد ترکان عثمانی متحد گردد (نوابی، ۱۳۷۲: صص ۱۸-۱۷).

بطور کلی راه عبور بازرگانی ایران و اروپا از عثمانی می‌گذشت، این اوضاع حتی در زمانی که صلح ما بین دو کشور ایران و عثمانی برقرار بود هم به خاطر گمرکات سنگین، حق عبور و غیره، نامطمئن بود، چه رسد به زمانی که بین ایران و عثمانی، درگیری و جنگ حاکم بود (لوئی بلان، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵)، به گزارش منابع آنزمان پادشاهان صفوی خصوصاً شاه عباس یکم برای تجارت ابریشم با اروپائی‌ها علاقه داشت، چرا که ابریشم ایران از طریق حلب به اروپا منتقل می‌شد و سود سرشاری عاید عثمانی‌ها می‌کرد، شاه عباس به دنبال قطع این سود کلان و ضربه زدن به عثمانیها بود (پیتر و دلاواله، ۱۳۸۱: ص ۵۶) از طرفی تجارت مستقیم با اروپا برای ایران نیز منفعت بیشتری داشت.

در کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی به علاقه حکام کشورهای مختلف خصوصاً اروپایی برای رابطه با ایران اشارات فراوانی هست به عنوان مثال: "..... پادشاهان عرصه گیتی از مسلم و غیر مسلم از اقصای ممالک فرنگستان و اروس و کاشغر و تبت و هندوستان با آن حضرت طرح الفت و آشنایی افکنده از حسن خلقش متواتر ایلچیان به درگاه فرستاده اظهار عقیدت و دوستی می نمودند، سلاطین فرنگیه و پادشاهان مسیحیه از لارونسمه و فرانسه و انگلیس و لندهیس و پرتگال و اسپانیه و پاپ که بزرگترین پادشاهان نصاری و خلیفه ملت حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام و مقتدای طوایف مسیحیه است (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۷۷: صص ۱۸۰۱-۱۸۰۰).

مناسبات با کشورهای اروپایی به فراخور نیاز و زمان دستخوش تغییرات می گردید به طور مثال شاه عباس دژهای نظامی پرتغالی‌ها را در مدخل خلیج فارس تخریب نمود (بابایی، ۱۳۷۵: ص ۱۴) و در این راه از انگلیسی‌ها بهره گرفت، همینطور شاه سلطان حسین مایل بود با دولت فرانسه روابط سیاسی و تجاری برگزار کند چرا که قصد اصلی وی استفاده از حمایت نظامی فرانسه برای سرکوب اعراب مسقط در خلیج فارس بود. در آن زمان شاه ایران به علت فقدان نیروی دریایی قادر به جلوگیری از راهزنی و تاخت و تاز اعراب مسقط نبود (سمنانی، ۱۳۷۴: ص ۱۲۰).

اولین هیأت‌های اروپایی در ایران

پرتغالی‌ها برای رهایی از معضلات راههای تجاری زمینی و رهایی از مزاحمت عثمانی‌ها با دور زدن دماغه امیدنیک به راه جدید دریایی دست پیدا کردند (۸۹۳ ه. ق/ ۱۴۸۶ م.) و توانستند به هندوستان برسند (همان، ص ۱۱۲).

از پیشگامان سفر به این مناطق، دریا سالار و اسکودوگاما و چندین سال بعد آلبوکرک بود. جزیره هرمز به وسیله امیران محلی اداره می‌شد و به عنوان مدخل خلیج فارس از نظر استقرار پایگاهی نظامی و تجاری بسیار مهم بود. پرتغالیان با حمله آلبوکرک و شکست ساکنان هرمز موفق به ایجاد یک پایگاهی تجاری در هرمز شدند و امیر هرمز خراجگزار آن‌ها گردید (میراحمدی، ۱۳۷۱: ص ۱۶۷).

بدینوسیله پای اروپائی‌ها رسماً به کشور ایران باز شد اگر چه از دوره ایلخانان مغول باب مرادوات تجاری و سیاسی بین دو طرف مفتوح شده بود (دین پرست و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۵۱-۵۰). تا زمان شاه عباس یکم پرتغالی‌ها توانستند در منطقه هرمز حضور داشته باشند لکن بعدها با حضور عناصر جدیدی مثل انگلیسی‌ها به این روند خاتمه داده شد. اولین کوشش انگلیسیها برای تجارت با ایران از راه دریا از سال ۱۶۱۶ م. آغاز شد. استیل و کروتز دو فرستاده انگلیسی هستند که برای تحصیل فرمان بازرگانی از شاه عباس به اصفهان رفتند (سایکس، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۲۶۹-۲۶۸).

برای شاه عباس فرصتی ایجاد شده بود تا بتواند به حاکمیت پرتغالی‌ها در جنوب ایران خاتمه دهد لذا از طرف او سه فرمان برای آنان صادر شد، شاه به فرمانداران بنادر فرمان داد که به کشتی‌های انگلیسی از هیچ کمکی فروگذار ننمایند، یکی از فرامین به بندر جاسک بود و علت انتخاب آن حضور پرتغالی‌ها در بندر هرمز بود (همان، ص ۲۶۹).

فیلیپ دوم اسپانیا و پرتغال نیز بدنبال گسترش تجارت و امور بازرگانی کشور خود بود و به همین خاطر سفیرانی به دربار شاه عباس یکم فرستاد (میراحمدی، ۱۳۷۱: ص ۱۶۸).

سفرا و جهانگردانی از سایر کشورها مثل ایتالیا نیز همچون پیترو دلاواله به ایران آمدند، اهداف آنها در نوشته‌هایشان پیداست، دلاواله کاتولیک بسیار متعصبی به حساب می‌آمد به هنگام عبور از عثمانی رفتار خشن عثمانی‌ها با اروپائی‌ها مسیحی را دیده بود (دلاواله، ۱۳۸۱: ص ۹۳) جنگ با عثمانی در کنار صفویان و دیگری پیدا کردن زمینه‌ها و راه‌هایی برای انتقال مسیحیان محصور در عثمانی به ایران تا آنان کاتولیک شوند و تحت اطاعت و حمایت پاپ قرار گیرند از اهداف او بود از رونق تجارت جمهوری‌های ایتالیای آن زمان همه منابع خبر می‌دهند و شکی نیست که عثمانی با رفتار خصمانه و حمله به متصرفات جمهوری ونیز نشان داد دشمن خطرناکی برای منافع اروپا خصوصاً ونیز است. جمهوری ونیز در قرن شانزدهم میلادی با داشتن بیش از صد جزیره که نیروی دریایی و کشتیرانی قوی داشتند مرکزیت اقتصادی و تجاری اروپا را به دست گرفته بود. تجارت پرمفعت ابریشم از چین به اروپا از طریق ایران صورت می‌گرفت و تاجران ونیزی علاوه بر آشنایی با ایران با کشورهای آسیایی نیز آشنایی داشتند. آنها از طریق دریا و سرزمین‌های نزدیک آن با نواحی مدیترانه، شام، قسطنطنیه، طرابوزان در ارتباط بودند. (میراحمدی، ۱۳۷۱: ص ۲۱۰). پیشروی و گسترش قلمرو صفویه در نواحی خراسان، گرجستان و قفقاز، کردستان و آذربایجان به اعتبار ایران نزد کشورهای اروپایی افزود و همین مسأله آن دولت‌ها را بیشتر از پیش متوجه ایران ساخت (میراحمدی: ۱۳۶۹: ص ۱۱۰).

فرانسه نیز مثل سایر کشورهای اروپایی از ابتدای قرن هفدهم میلادی به دنبال گسترش بازرگانی خود در مشرق زمین بود این کشور از طریق عثمانی و ایران در نظر داشت به هند دست یابد و اگر بتواند در آسیا مستعمراتی برای خود به دست آورد (همان)

گرچه دشمنی ایران و عثمانی باعث شد که این آرزو تحقق نیابد لذا تصمیم گرفت از طریق دور زدن قاره آفریقا به سواحل هند برسد، دستیابی به هند مشکل به نظر می‌رسید چرا که رقبای قدرتمندی مثل پرتغالی‌ها، اسپانیولی‌ها، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها کار را برای آن کشور سخت کرده بودند (همان). ایران برای تجارت آنزمان فرانسه بسیار نقشی حیاتی داشت ریشلیو به دنبال نفوذ در ایران بود و به همین منظور هیأتی به ایران اعزام داشت (سیوری، ۱۳۸۹: ص ۱۱۶)، ایجاد ارتباط بازرگانی با شرق و خصوصاً ایران منافع بسیاری برای فرانسوی‌ها را داشت و از دو طریق این مهم میسر بود اول آنکه درآمد دیگر دولتهای اروپایی از

_____ نقش میسیونرهای مذهبی در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران و اروپا در عصر صفوی ۱۰۱

فروش کالاهای ایرانی را کاهش داد و دوم آنکه اروپائی‌ها را ناچار می‌کرد کالاهای ایرانی را از تجار فرانسوی بخرند و این امر سود سرشاری به دامن فرانسه می‌ریخت. جالب است بدانیم برای دست یافتن به چنین اهدافی دولت فرانسه فرستادن هیأت‌های مذهبی را مؤثرتر و کارسازتر می‌دانست و از آنها استفاده کرد به دنبال روند ارتباط و اتحاد اروپائی‌ها با ایران در سال ۱۶۲۳ م. ۱۰۳۲ ه. ق یعنی یک سال پس از تسخیر هرمز توسط قوای مشترک انگلیس و ایران و اخراج پرتغالی‌ها از آنجا، هلندی‌ها نیز در خلیج فارس مستقر شدند. آن‌ها از طریق قشم و گمبرون وارد ایران شدند (www.persiangulfstudies.com/fa/pages/430). به هنگام ورود هلندی‌ها به ایران شاه عباس یکم حکومت می‌کرد، هلندی به بهانه آنکه در زد و خورد بین پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها به نفع انگلیسی‌ها وارد جنگ شده بودند توانستند پس از ورود به به اصفهان قراردادی پرسود در خصوص صدور ابریشم از ایران و ورود قند به این کشور منعقد کنند، آن‌ها سال‌ها در ایران به تجارت مشغول بودند و سال ۱۷۴۷ م. ۱۱۶۰ ه. ق پایان دوره حضور قدرتمند هلندی‌ها در بندر عباس بود. (ibid).

با ذکر مطالبی که شرح داده شد می‌توان دریافت که دشمنی اروپا و عثمانی آنها را به طرف ارتباط با ایران سوق داد، ارتباطی که بن مایه اصلی زمینه آن سود تجاری و دشمنی با عثمانی بود.

زمینه‌های فعالیت میسیونرهای مسیحی در ایران عصر صفوی

کلمه میسیون از کلمه لاتین «mission – em» که از مشتقات فعل «mittere» به معنای فرستادن، روانه کردن و اعزام کردن هست گرفته می‌شود. معانی مختلفی نیز برای کلمه میسیونر در نظر گرفته شده همانند، فردی که برای انجام مأموریت مذهبی اعزام می‌شود. از منظر سیاسی و اقتصادی و نظامی نیز یعنی یک طرح نظامی، هم چنین گروهی از افراد اعزامی به کشورهای خارجی برای مناسبات سیاسی یا اقتصادی که ترکیب دو تعریف بالا تا حدودی با گوشه‌ای از فعالیت مبلغان مذهبی مسیحی در ایران قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی تطابق دارد (www.haadi.ir/Modules/content/).

می‌توان زمینه‌های فعالیت میسیونرهای مسیحی در ایران عصر صفوی را اینگونه خلاصه کرد:

- دین مسیحیت در ذات خود دینی تبلیغی است و از سده‌های نخست شکل‌گیری نهاد کلیسا تبلیغ و موعظه با حمایت پاپ دنبال می‌شد (شهیدانی، عقیلی، ۱۳۹۲: ص ۹۱).
- تساهل مذهبی پادشاهان صفوی از زمان شاه عباس یکم به بعد برای فعالیت این فرستادگان بستر مناسبی به حساب می‌آمد (www.haadi.ir).
- دولت صفوی شیعه مذهب بود و عثمانی‌ها سنی مذهب بودند اختلافات مذهبی دو کشور برای بهره‌برداری میسیونرهای مذهبی اروپایی فرصت مناسبی بود (ibid).

- روحیه غریب‌نوازی و مهمان‌نوازی و سعه صدر ایرانیان در برخورد با میسیونرهای مسیحی آنها را تشویق و تقویت می‌کرد (شهیدانی، عقیلی، ۱۳۹۲: ص ۹۱).

- ایرانی‌ها می‌دانستند که عثمانی از فروش ابریشم ایران و از جریان واسطه‌گری سود سرشاری را نصیب می‌شوند شخصی مثل شاه‌عباس یکم کمر همت بسته بود که جلوی این جریان را سد نماید، در نتیجه علاقه فراوانی به پذیرش فرستادگان اروپایی و میسیونرها نشان می‌داد چرا که ارتباط مستقیم با اروپائی‌ها نفوذ عثمانی را کاهش می‌داد.

- با عنایت به زمینه‌های ذکر شده دربار صفوی مانع ورود مبلغان مذهبی نمی‌شد، به خصوص که اسلام به عنوان آخرین دین خدا، شانس مطرح شدن برای ادیان دیگر باقی نمی‌گذاشت (میراحمدی، ۱۳۶۹: ص ۱۰۴).

رویکرد سیاست دولت صفوی در مواجهه با میسیونرهای مذهبی

از تعبیر اسکندر بیک منشی درخصوص علاقه پادشاهان مسیحی و پاپ در گسیل داشتن متواتر ایلچیان به دربار شاه عباس (ترکمان، ۱۳۷۷: ص ۱۸۰۰) حجم قابل توجه رفت و آمد فرستادگان اروپایی به دربار ایران پیداست، او که دلیل تردد این فرستادگان را «حسن خلق» شاه (همان) به حساب آورده با ظرافت از کنار انگیزه‌های واقعی این مقوله عبور کرده است، لکن می‌توان به صراحت از رویکرد مثبت و دادن بستر مناسب برای فعالیت این فرستادگان در دوره شاه عباس یقین حاصل کرد. به طور مثال می‌توان به استقبال و حمایت شاه عباس از دو کشیش پرتغالی با نام آلفونسو کوردِر و از فرقه «فرانسیکن» و دیگری نیکولائودی ملو از فرقه «دومینیکن» که یکی پس از دیگری به اصفهان آمدند اشاره کرد. این دو نفر با ادعای اینکه مأموریت بسیار مهمی از سوی پاپ و پادشاه اسپانیا دارند از جزیره هرمز وارد ایران شدند (لوئی بلان، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵). شاه پذیرایی شایانی از آنها به عمل آورد و با هدایا و نامه‌هایی برای پاپ و پادشاه اسپانیا آنها را روانه اروپا ساخت (همان). در راستای نشان دادن حسن نیت پادشاهان صفوی به فرستادگان اروپایی گاهی از توانمندی‌های آنها بهره گرفته می‌شد به عنوان مثال در سال ۱۰۲۸ ق. / ۱۶۱۹ م. شاه عباس یکم به ژان تاده فرمان داد کتاب زبور داود را به فارسی ترجمه کند.

تاده برای آشنا ساختن شاه با صنعت چاپ یک نسخه انجیل چاپ شد به زبان عربی را به او هدیه کرد و شاه با آوردن ماشین آلات چاپخانه از رم به اصفهان موافقت نمود (فلسفی، ۱۳۴۷: ص ۹۶۷)، در سال ۱۰۳۸ ق / ۱۶۲۹ اولین دستگاه چاپ ایرانی در صومعه کارملیت‌ها در اصفهان به راه افتاد (همان) در راستای ادامه این سیاست در سال ۱۰۳۰ ق / ۱۶۲۹ م. به کشیشان کارملیت اجازه داده شد تا مدارس برای تدریس زبان‌های لاتین در اصفهان به راه اندازند، این مدارس با نام‌های «سن پیر» و «سن بل» برای آموزش کودکان اتباع و مهمان مسیحی شاه تأسیس شدند (همان، ص ۹۳۶). در مجموع پادشاهان صفوی به اقلیت‌های مسیحی امتیازاتی دادند و از هیأت‌های مذهبی کاتولیک حمایت نمودند.

_____ نقش میسیونرهای مذهبی در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران و اروپا در عصر صفوی ۱۰۳

دولت صفوی در تمامی دوره‌ها از وجود مسیحیان استفاده کرد و در امور بازرگانی از آرامنه بهره برد (میراحمدی، ۱۳۶۹: ص ۱۰۱). شاه عباس یکم برخی از جوانان گرجی را به خدمت گرفته بود و گاهی به مسیحیان مأموریت‌هایی دیپلماسی مهمی محول می‌کرد (همان، ص ۱۰۲).

طبق گزارشاتی از همان دوره شاه ایران به هیئت‌های مبلغین دین مسیح اجازه دادند در سراسر کشور وظایف خود را در کمال آزادی انجام دهند و موافقت کردند این نمایندگان در هر نقطه‌ای که بخواهند مؤسسات دینی خود را دایر نمایند (سفرنامه سانسون، ۱۳۴۶: ص ۳۵).

نحوه فعالیت میسیونرهای مذهبی در عصر صفویه

میسیونرهای مذهبی دوره صفوی بیشتر کاتولیک و از فرقه‌های کرملی، آگوستین، فرانسیکن، دومینیکن، کاپوسن (کاپوچی) و ژوزئیت‌ها بودند و از کشورهای اسپانیا (پرتغال)، ایتالیا، فرانسه و هلند، لهستان و مجارستان به ایران فرستاده می‌شدند (میراحمدی، ۱۳۶۹: ص ۱۰۴) مهم‌ترین وظیفه میسیونرهای مذهبی در ایران ترویج عقاید دینی بود آنها بر روی تغییر دین مسلمانان، اقلیت‌های دین به ویژه مسیحیان ایران و خارجیان غیرکاتولیک متمرکز می‌شدند و در عین حال وظیفه رسیدگی به امور سیاسی و تجاری دولت‌های متبوع خود را نیز بر عهده داشته و انجام می‌دادند. نامه‌های حکام اروپایی را نیز به مقصد می‌رساندند و این کار بر ایشان نفع مادی زیادی به دنبال داشت چنانکه حاملان نامه‌ها، خواه مأموران سیاسی و خواه اشخاص دیگر از دربار ایران مقرری دریافت می‌کردند (همان، ص ۱۰۵). بعضی از این کشیشان با تسلط بر زبان فارسی به دولت‌های متبوع خود اطلاعات ذی‌قیمتی می‌دادند، به طور مثال رافائل دومان که تقریباً حدود نیم قرن در ایران اقامت داشت اطلاعات زیادی در زمینه وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران تهیه و ارسال کرد و همین مهم به دولت فرانسه امکان داد تا مقدمات تأسیس شرکت هند شرقی فرانسه را فراهم نماید. بیشتر مبلغین مذهبی در ایران موفق به ساختن کلیسا و صومعه در اصفهان و شهرهای بزرگی مثل تبریز و شیراز می‌گردیدند. کرملی‌های ایتالیایی معمولاً در اصفهان، شیراز، بندرعباس و تبریز مستقر شده و به فعالیت‌ها و تبلیغ مشغول می‌شدند، آگوستین‌های پرتغالی - اسپانیولی، در اصفهان، دومینیکن‌ها در نخجوان و کاپوسن‌های فرانسوی بیشتر در اصفهان، بندرعباس، شیراز و تبریز تبلیغ می‌کردند. ژوزئیت‌ها که رهبری فرانسوی داشتند در سال ۱۶۵۳ م. در اصفهان و تبریز و شماخی و ایروان به فعالیت مشغول بودند (میراحمدی، ۱۳۶۹: ص ۱۰۴). امتیاز پوشیدن لباس، ساختن کلیسا و مسائلی از این قبیل توسط حکومت صفوی به مبلغین داده می‌شد. با آنکه اوج رفت و آمد این هیأت‌ها در دوره شاه عباس یکم صفوی است لکن مبلغین مسیحی در ادوار مختلف عصر صفوی از این تسهیلات بهره می‌بردند. در قراردادی که مابین شاه سلطان حسین و «پی‌یر ویکتور میشل» نماینده لوئی چهاردهم منعقد گردید فرانسه علاوه بر حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) و معافیت پنج ساله عوارض گمرکی، توانست به امتیاز آزادی فعالیت اسقف‌ها و سایر

مبلغ‌های مذهبی فرانسوی برای اجرای وظایف دینی خود دست یابد (سمنانی، ۱۳۷۴: ص ۱۱۳). گاهی هیأت‌های مذهبی رسماً مجوز مذاکرات سیاسی و تجاری را از دولت‌های متبوع خود داشتند و مذاکرات آنها منتج به عقد قراردادهای مهمی می‌شد. در فوریه ۱۶۰۲ م. هیأتی از کشیشان پرتغالی و اسپانیایی به ایران آمدند که با تقدیم هدایایی از طرف پادشاه اسپانیا وارد مذاکرات مهمی مبتنی بر انعقاد قرارداد تجاری، اجازه تبلیغ دین مسیحیت و حل مشکلات تجاری اسپانیایی‌ها در خلیج فارس گردید. این کشیشان داکروز^۱، اسپریتوسانتو^۲ و دوگووآ^۳ که ریاست هیأت بر عهده‌اش بود نام داشتند (میراحمدی، ۱۳۷۱: ص ۱۶۹).

مناسبات میسیونرهای اروپایی با اقلیت‌های مذهبی ایران عصر صفوی

در عصر صفوی اقلیت‌های مذهبی شامل زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان می‌شدند، می‌توان گفت بجز در دوره شاه عباس یکم معمولاً مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند آنها علاوه بر جزیه مالیات‌های دیگری خصوصاً در حوزه تجارت خارجی پرداخت می‌کردند چرا که عمده تجارت ابریشم که بیشترین درصد صادرات ایران را به خود اختصاص می‌داد توسط این عده انجام می‌شد. با این احوال می‌توان ادعا کرد در سراسر دوره صفویه پادشاهان صفوی به اقلیت‌های مسیحی امتیازاتی می‌دادند و هم از آنها حمایت می‌کردند آنها همین‌طور از بازرگانان ارضی در کسوت مأمورین دیپلماسی نیز بهره می‌بردند از میان جوانان گرجی عده‌ای به خدمت شاه عباس درآمدند و هسته اصلی سپاه جدید صفویه بودند، رونق و سود تجارت خارجی محصول تلاش این عده بود و آرامنه جلفای اصفهان در این جریان نقش اساسی بازی می‌کردند گرچه در انتهای این دوره آرامنه هم مثل سایر اقشار مورد آزار و فشار قرار داشتند و این مهم در سقوط حکومت صفوی تأثیر داشت (میراحمدی، ۱۳۶۹: صص ۱۰۰ - ۱۰۳)، علاوه بر موارد ذکر شده اختلاف فرقه‌های مختلف مسیحی در خاک ایران هم بر سختی شرایطشان می‌افزود (دلاواله، ۱۳۸۱: ص ۹۶). میسیونرهای مذهبی عموماً کاتولیک بودند لذا طبیعی بود تمام تلاش خود را مصروف کاتولیک ساختن ایرانیان و حتی خارجی‌های مسیحی در خاک ایران سازند. دلاواله در سفرنامه خود هم به اختلاف اروپائی‌ها اشاره کرده و هم از آنان دعوت می‌کند که نگذارند ایرانیان و " کافران " (دلاواله، ۱۳۸۱: ص ۳۰۸) از این اختلاف آگاه گردند او علاوه بر هدف اتحاد ایران بر علیه عثمانی، به دنبال هدف برگتری در حد انتقال مسیحیان محصور در عثمانی به ایران و کاتولیک ساختن آنها بود تا بدین‌وسیله آنها را به انقیاد پاپ درآورده و با حمایت شاه عباس مکانی را در اختیار مسیحیان گذاشته تا بتوانند یک جامعه بزرگ کاتولیک در ایران برپا کنند منطقه‌ای که نامش را رم جدید بگذارند و تمامی خصوصیات رم را نیز دارا باشد. در مجموع باید گفت آرامنه ایران به عنوان شهروندان

^۱. Dacruz

^۲. Spiritu Santo

^۳. Du Gouvea

ایرانی بودند و هر موقع اروپائی‌ها بر علیه عثمانی و به نفع ایران حرکت می‌کردند آرامنه جلفا در پایتخت نیز با مبلغین مسیحی و کاتولیک‌های اروپایی روابط خوبی داشتند و هر زمان عثمانی و اروپا به هم نزدیک می‌شدند روابط آرامنه ایران و مسیحیان اروپایی ساکن ایران تیره می‌شد (اعرابی هاشمی، ۱۳۸۷: ص ۴۹).

بررسی عملکرد مبلغان مسیحی در دوره صفویه

نگارنده معتقد است بایستی عملکرد مبلغان مسیحی را با توجه به انگیزه‌های حضور آنها در کشور ایران بررسی و ارزیابی کرد. به عبارتی وقتی توانستیم انگیزه‌های آنها را تفکیک کنیم می‌توانیم هر کدام را در حوزه خاص خودش ارزیابی نمائیم که آیا کشیشان مسیحی در حوزه‌های مختلف توانستند به اهداف خود برسند و یا آنکه به اهداف خود نرسیدند؟

بدون استثناء از تمامی منابع دست اول و دست دومی که در این خصوص در اختیار ما هستند می‌توان استنباط کرد هیات‌های مذهبی با حمایت مستقیم دولت‌های اروپایی گسیل می‌شدند لکن نمی‌توان انگیزه اصلی کشیشان مسیحی را صرفاً مسائل سیاسی و اقتصادی تجاری دانست. شکی نیست ظهور عثمانی مسئله مهم آن روز مسیحیان اروپایی بود (حاجیان پور، حسینی شریف، ۱۳۹۳: ص ۶۷) در نتیجه دولت‌های اروپایی و پاپ برای اشاعه مسیحیت کمر همت بستند ضمن آنکه عثمانی حائل خطرناکی مابین ایران و اروپا بود و تجارت پر سود کالا‌های ایرانی خصوصاً ابریشم را به خطر انداخته بود، اتحاد با ایران شیعه مذهب می‌توانست از قوه نظامی عثمانی‌ها بکاهد و در توقف جملات و توجه رو به رشد عثمانی‌ها نسبت به اروپا مؤثر باشد. لذا می‌توان با درجه بندی اولویت، انگیزه میسیونرهای مذهبی در آمدن به ایران را اینگونه دسته‌بندی کرد:

۱- مذهبی

۲- سیاسی - نظامی

۳- اقتصادی - تجاری

شاردن معتقد بود هر کدام از فرقه‌های مذهبی مسیحی در شرق برای شهرت و غلبه فرقه خود فعالیت می‌کردند (شاردن، ۱۳۵۵: ص ۲۱۴) شاردن اذعان کرده است که هدف عمده مبلغان مسیحی در ایران، تغییر دین مسلمانان است، از شیوه‌های گوناگون روش جذب مسلمانان نیز مواردی بیان داشته است به طور مثال در بین مردم عادی خود را پزشک و جراح می‌خواندند و با معالجه رایگان مردم و اینکه مشتاق کمک به هم‌نوع هستند آنها را به کیش خود فرا می‌خواندند (همان، ص ۲۱۷) در قراردادهای عصر صفوی سفیران اروپایی تمامی سعی خود را می‌کردند تا بتوانند حقوقی در جهت آزادی انجام وظایف و مراسم مذهبی و مجوز تبلیغ برای کشیشان به دست آورند.

تمامی کشورهای اروپایی در کسب اجازه برای فعالیت هیأت‌های مذهبی خود رقابت شدیدی با هم داشتند حتی فرانسوی‌ها که آخرین کشور اروپایی در عقد قراردادهای سیاسی و تجاری با ایران عصر صفوی بودند از زمان ریشلیو هیأتی به ایران فرستاد تا از شاه عباس اول اجازه تأسیس مراکزی برای هیأت‌های مبلغ کاپوسن در اصفهان و دیگر شهرها اخذ کند، آن‌ها موفق به گرفتن این مجوز شدند و هیأت مبلغ در ایران تأسیس گردید (سیوری، ۱۳۸۹: ص ۱۱۶).

اغلب مبلغان مسیحی کاتولیک بودند و به گزارش سیوری با تأسیس هیأت مبلغین یسوعی توسط فرانسوی‌ها در حومه مسیحی نشین اصفهان یعنی جلفا و شیراز به ریاست پدر فرانسوا ریگوردی، تعداد طریقت‌های مذهبی خارجی که در ایران فعال بودند به پنج رسید؛ دومینیک‌ها، فرانسیس‌ها، آگوستین‌ها، کارملی‌ها و یسوعی‌ها (همان، ص ۴۷). مبلغان کرملی عصر صفوی، ایتالیایی بودند و اغلب در اصفهان، شیراز و بندرعباس و تبریز ساکن و به فعالیت مشغول بودند و موفق به ساختن صومعه و کلیسا در اصفهان نیز گردیدند (ثواقب، ۱۳۸۰: ص ۲۷).

تقسیم جهان توسط پاپ در سال ۱۴۹۴ م / ۹۰۲ ق. بین اسپانیا و پرتغال به شرط مسیحی کردن مردم آن سرزمین‌ها باعث گسترش انگیزه تبلیغ مسیحیت در شرق شد و همواره مبلغان مسیحی را به همراه سفرا، بازرگانان و به عقیده نویسندگانی چون حائری استعمارگران را به ایران سرازیر می‌کرد (حائری، ۱۳۶۷: ص ۴۷). با ذکر مسائل فوق می‌توان یقین حاصل کرد که تبلیغ برای ترویج مسیحیت عمده‌ترین انگیزه هیأت‌های مذهبی بود لکن اهداف سیاسی، اقتصادی و تجاری نیز کمتر از این انگیزه برای آنها اهمیت نداشت. در بیشتر موارد ارسال سفیر و هیأت‌های سیاسی و تجاری کشیشان و مبلغین مذهبی حضور داشتند و گاهی که هیأت صرفاً مذهبی بود مأموریت‌های سیاسی و تجاری نیز توسط آنها دنبال می‌گردید. افرادی مثل حائری کلیسای کاتولیک و هیأت‌های مبلغ مذهبی را شاخه مذهبی استعمار قلمداد نموده‌اند (حائری، ۱۳۶۷: ص ۱۴۵) گرچه معتقد است در روند آن پیوندها ایران نتوانست بهره‌گیری‌های سودمندی داشته باشد (همان)، او معتقد است کلیسای کاتولیک آن زمان کشیش‌های آزموده خود را با بهره‌برداری از پشتیبانی فرمانروایان و شاهان اروپا به دربارهای کشورهای مشرق زمین می‌فرستاد تا بتوانند از راه‌های معنوی و مذهبی به خواسته‌های مادی و انحصاری خود دست یابند (همان، ص ۴۷۱) البته رقابت هیأت‌های میسیونری اروپایی در ایران تا حد زیادی نظریه بالا را تقویت می‌کند چرا که قدرت یافتن پاپ طی قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی و بالا رفتن مقام مذهبی او بین کاتولیک‌ها و نفوذ سیاسی پاپ در دربارهای اروپا مثل اسپانیا و فرانسه موجب شد کشیشان کاتولیک به عنوان نمایندگان کلیسا به صحنه‌های سیاسی بین‌المللی وارد گردند (قائم مقامی، ۱۳۴۹: ص ۱۶۶). گرچه شاهد همکاری بین هیأت‌های مذهبی در ایران هستیم اما گاهی که دولت‌های اروپایی در اروپا با هم به رقابت و جنگ می‌پرداختند و هرگاه پاپ با دولت‌های اروپایی بر سر قدرت رقابت می‌کرد، در ایران نیز دوستی و همکاری بین این فرقه‌ها به هم می‌خورد (همان، ص ۱۹۰ - ۱۹۱). به طور مثال ورود کشیشان

_____ نقش میسیونرهای مذهبی در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران و اروپا در عصر صفوی ۱۰۷

فرانسوی به اصفهان باعث نگرانی ماموران سیاسی و تجاری انگلیس و هلند و هیئت‌های مذهبی کار ملیت را باعث گردید (همان).

نتیجه‌گیری

عصر صفوی عصر گسترش فعالیت مبلغان مذهبی مسیحی در ایران بود، عثمانی‌ها با حمله به ممالک مسیحی آنان را متوجه خطر بزرگی ساخته بودند ضمن آنکه به عنوان حائلی میان ایران و اروپا مانع تجارت آزاد و بی دردسر آنها با ایران می‌شدند، عثمانی‌ها با به دست گرفتن مسیر تجارت کالا و انجام واسطه‌گری نمی‌گذاشتند سود سرشاری از تجارت مستقیم با ایران خصوصاً در مورد کالاهای گرانبهایی مثل ابریشم نصیب آنها شود، رقابت‌های اروپائی‌ها برای نفوذ در ممالک شرقی و دست یابی به مواد اولیه ارزان قیمت از درجه اولویت بالایی برای اروپائی‌ها برخوردار بود و زمینه‌های لازم برای فرستادن سفرا در ایران را مهیا می‌کرد، عثمانی دشمن مشترک ایران و اروپا بود و انگیزه‌های نظامی و سیاسی و مذهبی لازم برای اتحاد با اروپا در ایران عصر صفوی موجود بود، حضور کشیشان مسیحی همراه هیأت‌های فرستاده شده در پیشبرد اهداف آنها مؤثر بود و هیات‌های میسیونری هم خود به تنهایی می‌توانستند مأموریت‌های تجاری و سیاسی را نیز دنبال کنند شکی نیست این افراد برای ایجاد و توسعه و موفقیت روابط سیاسی و تجاری دولت‌های اروپایی نقش مهمی بازی کردند لکن درخصوص گسترش آئین خود در ایران به لحاظ بافت خاص مذهبی، سیاسی و اجتماعی موجود توقیفی نیافتند. با حمله محمود افغان به اصفهان و سقوط صفویه و وقوع جنگ‌های پیاپی داخلی در ایران، بیشتر هیات‌های مذهبی و مبلغان مسیحی ایران را ترک نموده و فعالیت‌های تبلیغی آنها نیز ضعیف و کم رقم گردید.

منابع و مأخذ

- ۱- اعرابی هاشمی، شکوه السادات، (۱۳۸۷)، "چالش‌های درون فرقه‌ای مسیحیان در جلفای عصر صفوی"، فصلنامه دانشنامه، شماره ۳.
- ۲- پارسا دوست، منوچهر، (۱۳۷۵)، شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۳- پناهی سمنانی، (۱۳۶۹)، شاه عباس کبیر، مرد هزار چهره، تهران: کتاب نمونه.
- ۴- _____، (۱۳۷۴)، شاه سلطان حسین صفوی، (تراژدی ناتوانی حکومت)، تهران: کتاب نمونه.
- ۵- ترکمان، اسکندر بیک، (۱۳۷۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

- ۶- ثواقب، جهانبخش، (۱۳۸۰)، تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز: نوید شیراز.
- ۷- حاجیان پور، حمید؛ حسینی شریف، انسیه، (۱۳۹۳)، " انگیزه دولت‌های اروپایی از ارسال مبلغان مسیحی به ایران در دوره صفویه " فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم، شماره دوم (پیاپی ۲۲).
- ۸- حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۷)، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو روبه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر.
- ۹- دلاواله، پیترو، (۱۳۸۱)، سفرنامه، ترجمه: شعاع الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۰- دین پرست، ولی؛ صدقی، ناصر؛ سوری، سعیده، (۱۳۹۴)، " مناسبات تجاری جمهوری‌های ونیز و جنوا با ایران عصر ایلخانی "، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهرا (س)، سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۶.
- ۱۱- سانسون، (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، ترجمه: تقی تفضلی، تهران: بی نا.
- ۱۲- سایکس، سرپرسی، (۱۳۷۰)، تاریخ ایران، سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.
- ۱۳- سیوری، راجر، (۱۳۸۹)، ایران عصر صفوی، تهران: مرکز.
- ۱۴- شاردن، (۱۳۵۵)، سیاحتنامه شاردن، ترجمه: محمد عباسی، تهران: بی نا.
- ۱۵- شرلی، (۱۳۵۷)، سفرنامه برادران شرلی، در زمان شاه عباس کبیر، ترجمه: آوانس، با مقدمه و توضیحات صحبت آئین، تهران: انتشارات کتابخانه منوچهر.
- ۱۶- شهیدانی، شهاب؛ عقیلی، سید احمد، (۱۳۹۲)، " بررسی و تحلیل تاریخی حضور و فعالیت مسیونرهای مسیحی از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار "، دو فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال سوم، شماره ششم.
- ۱۷- علی بابائی، غلامرضا، (۱۳۷۵)، تاریخ سیاست خارجی ایران، تهران: انتشارات دُرسا.
- ۱۸- فرهانی منفرد، مهدی، (۱۳۷۷)، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران عصر صفوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۹- فلسفی، نصرالله، (۱۳۴۷)، زندگانی شاه عباس اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- قائم مقامی، سیف الله، (۱۳۴۹)، تاریخ روابط معنوی و سیاسی ایران و فرانسه، تهران: خوارزمی.
- ۲۱- لویی بلان، لوسین، (۱۳۷۵)، زندگی شاه عباس، ترجمه: ولی الله شادان، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۲۲- میراحمدی، مریم، (۱۳۶۹)، دین و دولت در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.

_____ نقش میسیونرهای مذهبی در توسعه روابط سیاسی و تجاری ایران و اروپا در عصر صفوی ۱۰۹

۲۳- میراحمدی، مریم، (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۴- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در عصر صفویه، تهران: ویسمن.

25- www.Persiangulfstudies.com/fa/pages/430.

26- www.haadi.ir/Modules/content/other/491.

The Role of Religious Missionaries in Developing Iran-Europe Political and Business Relations in the Safavid Era

Abstract

The Safavid era (1135-907 AH / 1722-1501 AD) was the era of dramatic expansion of the activity of European religious missionaries in Iran. During this period, European powers competed to penetrate the eastern territories and obtain cheap raw materials, while their territories and foreign trade were also heavily endangered by the Ottomans, thus Iran as an Ottoman neighbor and enemy. And at the same time, as the European business side, it was a good option for unification. The question of the present study is whether missionaries and missionaries contributed to the development of political and business relations between Iran and Europe during the Safavid era? It tries to answer this question by descriptive research method and gathering information from reports, historical and research sources, travelogues and documents.

Apart from religious motives, it seems that political and economic reasons were particularly important in sending religious groups to Iran. The findings of the present study indicate that religious missionaries did not succeed in spreading Christianity in Iran but were able to play an important role in the development of political and business relations between Iran and Europe.

Keywords: missionary, European governments, Safavid, political and business relations.